

مس‌های طلاشده

رهنگ جهادی در قاب خاطرها

به کوشش: مهدی الهی‌فرد

عنوان و پدیدآور: مس‌های طلاشده / مهدی الهی‌فرد؛ [برای] اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی
و دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد خراسان شمالی
موضوع: فعالیت‌های جهادی / آغاز انقلاب / ۱۳۵۸ - ۱۳۶۷ - خراسان شمالی
موضوع: مدیریت جهادی - ایران - خراسان شمالی - خاطرات

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

ملاحظات نشر: بیژن، یورد، ۱۳۹۷

وضعیت فهرست نویسی، فصل ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸

ردہ بندی کنندہ: HN670/21-968

رده بندی دیوچه: ۵۱۵ ۷/۱۱۱

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱-۲

شماره کتابشناسی، ملی: ۴۷۱۶

نویسنده: مهدی الهی فرد

طرح جلد: علیرضا عضدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

اثر برگزیده سیزدهمین جشنواره آثار پژوهشی حوزه های علمیه خراسان



نشانی: بجنورد، خیابان طالقانی غربی، طالقانی ۴۵، پلاک ۳، طبقه ۲+

تلفون: ۰۹۱۵۱۸۸۲۴۹۹ - ۰۹۱۵۳۸۴۷۵۳۷

فهرست

۲	مس‌های طالع‌ها
۳	مس‌های طالع‌ها
۵	فهرست
۷	سخن آغازین
۱۱	انقلاب به تو نیاز دارد
۲۵	آقای رئیس
۲۹	بچه فتودال!
۳۱	شرمنده خدا شدم
۳۵	شیفتگان خدمت
۳۸	ندیده بودند روستا را
۴۳	دردسر یک خوبی
۵۳	این‌ها رو قبول می‌کنی؟!
۵۷	من می‌گم این باشه!
۶۱	نمی‌بینی امام قلبش ناراحته!

- علت این همه دوندگی ۶۶
- دلسوز مردم ۷۱
- مدیر نظافت چی ۷۶
- ما انقلاب نکرده ایم که در شهر بمانیم ۸۱
- روزه ۹۵
- زرد بناری ۹۷
- دکتر جهاد ۱۰۱
- عروسی، بدستک مرد جهادی ۱۰۳
- بایانی خیر خوب است ۱۰۷
- اعتبار کائنات! ۱۱۳
- یک خروار کار زمین مانده ۱۱۹
- اموال مردم نباید حیف میل شد ۱۲۷
- کار برای انقلاب ۱۳۵
- اطاعت از ولی ۱۴۳
- دوباره باید برگردیم به آن سال ها ۱۵۳
- بالاترین عبادت ۱۵۹
- آشنایی با راویان ۱۶۱
- تصاویر ۱۷۵

سخن آغازین

نسلی بودند زنده‌شده با دم مسیحایی حضرت روح‌الله. مس‌هایی بودند طلاییده با اکسیر انقلاب. آدم‌هایی بودند که می‌فهمیدند کلام پیغمبر را که «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» یعنی «...؟!». آنان رنجور شده بودند از درد مردم محروم روستایی که از خواب رخت را کانهاده و شب و روز نمی‌شناختند. انقلاب خمینی (ره)، چنان متعجب‌شان کرده بود که گاهی داس در دست می‌گرفتند و گاهی بی‌داس بر دوش. گاهی در کوچه و برزن فریاد می‌زدند و گاهی در کنج خلوت می‌خزیدند. در چشم دنیازدگان، حمال می‌نمودند و در نگاه منافقان، دردمرغ مینی؛ اما مؤمنان خدا، آنان را سفیر انقلاب می‌دانستند.

خواستگاه اولیه‌شان مسجد بود و پاتوق‌شان نهاد سازندگی. همان نهادی که در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، به امر امام، متولد شد و با عضویت دلسوزان انقلابی، به حرکت درآمد.

همان جایی که فرزندان بیدار شده آقاروح‌الله، آنجا را حسینیه و مسجد می‌پنداشتند و کارشان را چنان با دقت و سرعت انجام می‌دادند که گویا نمازشان می‌خواهد قضا شود! برادری و برابری

میان‌شان حکم‌فرما بود. همه را خود می‌پنداشتند و در حقیقت، برای خود تلاش می‌کردند.

وقتی می‌شنوی که بجنورد دوران پهلوی، مانند بسیاری از شهرهای کشور، فاقد امکانات اولیه تمدنی بود. و بسیاری از استاهایش، نه برق داشت، نه آب آشامیدنی، نه مدرسه و نه حمام بهداشتی. نه راهی بود و نه وسیله نقلیه‌ای. مرگ و میر کودکان فرمان‌برداران و دکتر ایرانی در نایاب! و می‌شنوی که همه این ویرانی‌ها را به تاساندن از دوران پهلوی را جهادی‌ها با همت والای‌شان ساختند. دوستی‌ای که پای صحبت‌شان بنشیند.

و هنگامی که می‌نشینی با حرم علی، گفته‌های‌شان گوش فرا می‌دهی؛ کوله‌بار معرفتی‌ات پری‌شود و می‌فهمی که مدیریت اسلامی یعنی چه؟! و پی‌می‌بری که یک روزگاری در حکومت اسلامی، مدیریتی بر دوشت گذاردند؛ باید حربه را زار کنی. و به قول مولا علی (ع) «مَنْ حَفِظَ التَّجَارِبَ، أَصَابَتْهُ أَوَّلُ الْعِلْمِ»^۱ «مَنْ قَلَّتْ تَجَرِبَتُهُ، خُدِعَ وَ مَنْ كَثُرَتْ تَجَرِبَتُهُ، عَزَّتْ»^۲

۱. کسی که تجربه‌ها را حفظ کند؛ کارهایش به سرانجام می‌رسد. (غررالحکم و دررالحکم).

ح ۹۱۸۰

۲. کسی که تجربه کمی داشته باشد؛ فریب می‌خورد و کسی که تجربه بیشتری داشته باشد؛

کمتر فریب می‌خورد. (همان، ح ۵۴۲۶)

برای همین دوست داری همهٔ خاطرات اینان را بشنوی و برای همه‌گان نقل کنی؛ اما سرعت عقربه‌های ساعت به تو این اجازه را نمی‌دهد. دوست داری همهٔ شنیده‌هایت را بنویسی؛ اما به تو این اجازه را نمی‌دهند. می‌گویند بعضی وقایع را باید چون راز، درون سینه نگه داشت و فقط با محارم در میان گذاشت.

اوراق پیش‌رو، اندکی است از اندک‌شنیده‌هایم که شاید در نگاه اول، داستان به نظر آیند؛ اما همه‌اش رویدادهایی است واقعی. فقط کلمات گزافی، در مقام نوشتار، پیرایش شده‌اند، آن‌هم بدون کوچک‌ترین تصفی در محتوا.

و البته نوشتن ما را این قید، تقدیم حضور خوانندگان محترم می‌نماید که ملاک حسن فعلی افراد است، نه گذشته‌های شیرین‌شان! گذشته‌های خوب ما، درسی است برای امروز ما. و یقیناً ذخیره‌ای است برای قیامت آن‌ها؛ اگر هم به آن شیوه پایبند باشند!